

پیرم روزها که به شهر می‌رود، سوار زیادی از شهر از ژاندارم‌های خودش می‌آورد.

شنبه ۱۷ شعبان المعظم ۱۳۲۹



دیشب در تجریش سر یک جنده پلیس‌ها با یک نفر رعیت روس دعواشان شده بوده است، روس‌ها سخت گرفته‌اند که بایست رئیس کمیسری معزول بشود.

شنبه ۱۷ شعبان المعظم ۱۳۲۹



جواب سؤال مردم در مورد ورود محمد علی شاه از شیخ کبیر: از طرف ملت به علماء تلگراف زده‌اند، جواب نداده‌اند مگر شیخ کبیر که جواب داده است که: «اگر شخصی به خانهٔ آباء و اجدادی خودش می‌خواهد بیاید شرعاً حق دارد!»

یکشنبه ۱۸ شعبان المعظم ۱۳۲۹



بختیاری‌ها متقبل شده‌اند که با اعلیحضرت همایونی مخالفت نکنند.

سه شنبه ۲۰ شعبان المعظم ۱۳۲۹



شهر همدان تسلیم سالارالدوله شده است.

چهارشنبه ۲۱ شعبان المعظم ۱۳۲۹



پیرم دیروز رفته به اردوی قزاقخانه، بیرون اردو او را سلب اسلحه

کرده بوده‌اند، اظهار دوستی کرده بوده است که ما با شما دوست هستیم «پلکونیک» گفته بوده است که اگر دشمن باشید چه خواهد شد.

چهارشنبه ۲۱ شعبان المعظم ۱۳۲۹

□□□

شجاع الدوله جوانب زده است (به عین الدوله) که حکومت آذربایجان را اعلیحضرت محمد علی شاه به من مرحمت فرموده‌اند، در این صورت آمدن شما بیخود است.

چهارشنبه ۲۱ شعبان المعظم ۱۳۲۹

□□□

شیخ ابوالقاسم قزوینی رفته بوده است سوء قصدی به محمد علی شاه بکند و یکصد هزار تومان به او بدهند، این احمق به لباس درویشی رفته بوده است، شکمش را پاره کرده‌اند.

چهارشنبه ۲۱ شعبان المعظم ۱۳۲۹

□□□

در طهران هر کس هر چه داشته در بانک روس گذارده است، انبارهای بانک دیگر جا ندارد.

چهارشنبه ۲۱ شعبان المعظم ۱۳۲۹

□□□

وزیر خارجه و بعضی از وزراء در مجلس پیشنهاد کرده‌اند که آن تقسیمی که روس و انگلیس با هم ایران را نصف کرده‌اند، امضاء بکنند، به شرط این که اعلیحضرت محمد علی شاه را آن‌ها مانع بشوند.

جمعه ۲۳ شعبان المعظم ۱۳۲۹

□□□

علاءالدوله واسطه است میانه وزراء و سفارت روس که معدن قرچه داغ و امتیاز اتومبیل و یکی دو فقره دیگر را به دولت روس واگذار بکنند و آن ها از آمدن اعلیحضرت محمد علی شاه ممانعت بکنند.

دوشنبه ۲۶ شعبان المعظم ۱۳۲۹

□□□

برادرهای سردار محیی مجاهد جمع کرده اند و پدر مردم را در می آورند، اگر روس ها آن جا نباشند کار مردم زار است.

دوشنبه ۲۶ شعبان المعظم ۱۳۲۹

□□□

«آرشاک خان» با رئیس روزنامه دولتی روس ملاقات کرده، جواب های خوب داده است که:

«رجعت اعلیحضرت محمد علی شاه سوء اعمال و کلا بوده است.»

دوشنبه ۲۶ شعبان المعظم ۱۳۲۹

□□□

شیخ کبیر را یک نفر ارمنی مرحوم کرده است.

سه شنبه ۲۷ شعبان المعظم ۱۳۲۹

□□□

سالارالدوله فردایا امروز از کرمانشاهان حرکت می کند رویه همدان و طهران

سه شنبه ۲۷ شعبان المعظم ۱۳۲۹

□□□

شرحی از نظم اردوی سالارالدوله شنیدم، هیچ تعدی به کسی نمی کنند! زن ها برای اردوی سالارالدوله آذوقه حمل می کنند.

سه شنبه ۲۷ شعبان المعظم ۱۳۲۹

□□□

سوار زیادی از طرف سالارالدوله رفته است برای تسخیر خراسان، مردم زیادی رفته بوده‌اند در مسجد گوهرشاد و متخصص شده بودند که ما شاه را می‌خواهیم!

سه شنبه ۲۷ شعبان المعظم ۱۳۲۹



میرزا علی خان سالار فاتح دِه «بوش» را چاییده، و در توی مسجد که زن‌ها نشسته بودند یک بمب انداخته و هفت هشت نفر زن را کشته است!

سه شنبه ۲۷ شعبان المعظم ۱۳۲۹



شهادت شیخ کبیر دروغ بوده است!

جمعه سلخ شعبان المعظم ۱۳۲۹



سالارالدوله یک تلگراف به مجلس زده که من رو به طهران حرکت کرده‌ام، اگر شما ها اعلیحضرت محمد علی شاه را به سلطنت استقبال کردید، بسیار خوب! و آلا هر چه دیدید از خودتان دیدید.

دوشنبه ۳ رمضان المبارک ۱۳۲۹



وزیر مختار «گبرس» را با قزاق زیادی می‌فرستد رو به تجریش، اجزای کمیسری تماماً فرار کرده بودند و در کمیسری را بسته بودند! قزاق‌ها در کمیسری را شکسته تفنگ‌ها را برداشته می‌آورند.

دوشنبه ۳ رمضان المبارک ۱۳۲۹



وکلا و وزراء بی نهایت متزلزل هستند، اهل شهر باطناً هیجان دارند ولی حرف نمی‌زنند، نرخ ارزاق بی نهایت گران است، پنیر سیری یکصد دینار بود و حالا یک عباسی است.

دوشنبه ۳ رمضان المبارک ۱۳۲۹

□□□

چیزی که خیلی اهمیت پیدا کرده، اردوی سردار ارشد است که در ده «خوار» است. هر چه استعداد دارند به طرف سردار ارشد می‌فرستند.

دوشنبه ۳ رمضان المبارک ۱۳۲۹

□□□

رفتم منزل اخترالذوله، خبر رسید که سردار ارشد را تیرباران کرده، امشب نعشش را می‌آورند طهران

دوشنبه ۳ رمضان المبارک ۱۳۲۹

□□□

آخرین نامه ارشد الدوله به اخترالذوله ده دقیقه قبل از اعدام!

پنجشنبه ۳ رمضان المبارک ۱۳۲۹

□□□

امروز عصری نعش سردار ارشد را بردند و در خانه اخترالذوله انداختند!

پنجشنبه ۱۳ رمضان المبارک ۱۳۲۹

□□□

اغلب دهات و رامین را بختیاری‌ها غارت کرده، از لباس زنانه و گاو و گوسفند هر چه داشته و نداشته به غارت برده‌اند.

جمعه ۱۴ رمضان المبارک ۱۳۲۹

□□□

اردوی اعلیحضرت محمد علی شاه شکست خورده و خود محمد علی شاه فرار کرده و از بندر «جز» به گشتی نشسته معلوم نیست به کجا رفته است. والله اعلم.

چهارشنبه ۱۸ رمضان المبارک ۱۳۲۹

□□□

شجاع الدوله در «باسمنج» است، در تبریز نان یک من پنجهزار است در آذوقه را رو به اهل شهر بسته است.

چهارشنبه ۱۸ رمضان المبارک ۱۳۲۹

□□□

امان الله میرزا بیست هزار تومان پول فراهم کرده و مشغول تهیه است برای این که با شجاع الدوله جنگ بکند.

چهارشنبه ۱۸ رمضان المبارک ۱۳۲۹

□□□

سیم های تلگراف را تماماً شجاع الدوله پاره کرده است و از انگلیس ها قول گرفته است که به هیچ وجه مخابره در باب تبریز نکنند.

چهارشنبه ۱۸ رمضان المبارک ۱۳۲۹

□□□

امروز حکیم الملک آمده بود که عضدالدوله را راضی بکند ببرد شهر که با عین الدوله آشتی بدهد.

جمعه ۲۱ رمضان المبارک ۱۳۲۹

□□□

تشقائی ها به حمایت نظام السلطنه با ایلات عرب و غیره مشغول

جنگ و جدال هستند، کشت و کشتار زیادی می‌شود.

شنبه ۲۲ رمضان المبارک ۱۳۲۹



سپهدار پدر سوخته پلنگ صفت باز به کار افتاده است، اسباب شکست اعلیحضرت محمد علی شاه همین پدر سوخته بود. گاهی شهر می‌رود و گاهی می‌رود پیش ناصرالملک پدر سوخته تر از خودش.

دوشنبه ۲۴ رمضان المبارک ۱۳۲۹



این روزها خیال ناصرالملک با سپهدار پلنگ طبیعت این است که امتیازاتی که روس‌ها می‌خواهند به آن‌ها بدهند و یک مبلغ هم به مواجب اعلیحضرت محمد علی شاه بیافزایند و به زور روس و انگلیس محمد علی شاه را برگردانند. و بعد خیالشان این است که به سالارالدوله بگویند اگر برای خودت جنگ می‌کنی حق سلطنت نداری و اگر برای اعلیحضرت محمد علی شاه جنگ می‌کنی او که برگشت و رفت!

دوشنبه ۲۴ رمضان المبارک ۱۳۲۹



رفتیم منزل افتخارالسلطنه، تا وقت سحری آن جا بودیم، هیچ بوی ماه رمضان آن جا نبود! قدری ساز و آواز شنیده آمدیم منزل.

جمعه ۲۸ رمضان المبارک ۱۳۲۹



از سه طرف رفته‌اند برای جلوگیری سالارالدوله و اغلب ارمنی هستند و بختیاری!

شنبه ۲۹ رمضان المبارک ۱۳۲۹



نایب حسین کاشی وارد کاشان شده است و حاکم کاشان که علی اشرف خان امیر معزر باشد فرار کرده است.

یکشنبه سلخ رمضان المبارک ۱۳۲۹



شهرت غریبی دارد که پیرم کشته شده است.

سه شنبه ۲ شوال المکرم ۱۳۲۹



در شهر امروز نان خیلی کم بود، گیر کسی نمی آمد. سنگربندی کرده اند و به مردم تفنگ می دهند. وضع شهر خیلی بد و مغشوش است.

سه شنبه ۲ شوال المکرم ۱۳۲۹



می گویند که اعلیحضرت محمد علی شاه توی طوایف ترکمن است.

سه شنبه ۲ شوال المکرم ۱۳۲۹



نایب حسین کاشی که وارد کاشان شده بود چند نفر رادم توپ گذارده است.

سه شنبه ۲ شوال المکرم ۱۳۲۹



نان گیر هیچ کس نمی آید، امشب در زرگنده دکان نانوائی مغشوش شده بود، «شازدفر» روس مردم را که در دکان شلوغ کرده بودند، حکم می کند با شلاق بزنند! بعد می گوید اول به رعیت ها نان بدهید بعد به آن خواصی که آمده اند به زرگنده.

چهارشنبه ۳ شوال المکرم ۱۳۲۹



سالارالدوله شکست خورده، ولی از قرار معلوم از ارمنی‌ها خیلی کشته
اهل شهر خیلی متوحش هستند.

پنجشنبه ۴ شوال المکرم ۱۳۲۹

□□□

اگر اردوی سالارالدوله را شکست داده‌اند پس تفنگ دادن به اهل
صنف چه است؟ هر روز استحكامات دروازه‌ها را چرا زیاد می‌کنند، معلوم
نیست چه خیر است!

پنجشنبه ۴ شوال المکرم ۱۳۲۹

□□□

از قراری که ورقه فوق‌العاده نوشته بود، چهارصد پانصد سوار
بختیاری، **چهل هزار** قشون سالارالدوله را فرار داده است، تا به حال قشون
سالارالدوله کم بود! ولی حالا که شکست خورده زیاد شده‌اند!!

شنبه ۶ شوال المکرم ۱۳۲۹

□□□

حکومت شیراز را هم می‌خواهند بدهند به علاءالدوله، دوباره صولت
الدوله آمده شهر و ادارات دولتی را متصرف شده است، حیدرخان چراغ برقی
هم پیش سالارالدوله است.

شنبه ۶ شوال المکرم ۱۳۲۹

□□□

سفارت روس حکم کرده است، دویست قزاق ایرانی با دو عراده توپ
و دو صاحب منصب روسی مال قزاق‌خانه بروند برای تشبیه نایب حسین!

شنبه ۶ شوال المکرم ۱۳۲۹

□□□

وزیر مختار روس نطقی کرد که:

من از نیابت سلطنت برای اشخاصی که به زرگنده آمده‌اند اطمینان صحیح خواسته‌ام، هر کجا که می‌خواهید بروید! ظفر السلطنه قدری نطق خنک کرد که خدا سایه وزیر مختار را از سرما کم نکند!

یکشنبه ۷ شوال المکرم ۱۳۲۹

□□□

وکیل ترکمن که رفته بود با محمد علی شاه جنگ بکند و تلگراف کرده بود صد هزار تومان کجاست؟ او را زنده می‌خواهید یا کشته؟ او را محمد علی شاه کشته است!

پنجشنبه ۱۱ شوال المکرم ۱۳۲۹

□□□

گاهی می‌گویند پیرم کشته شده است و گاهی می‌گویند رئیس تلگرافخانه همدان را پیرم به دار زده است.

پنجشنبه ۱۱ شوال المکرم ۱۳۲۹

□□□

صدراعظم دولت روس را هم که با گلوله زده بودند مرده است!

پنجشنبه ۱۱ شوال المکرم ۱۳۲۹

□□□

«سیو شوستر» خودش رفته منزل شعاع السلطنه را ضبط کرده است، روس‌ها هم قدری جلو را شل کرده‌اند.

سه شنبه ۱۶ شوال المکرم ۱۳۲۹

□□□

در شیراز از صولت الدوله با طایفه توامی‌ها سخت مشغول جنگ هستند.

چهارشنبه ۱۷ شوال المکرم ۱۳۲۹

□□□

ظهیرالدوله گویا به سفارت روس نرفته است و این کار اسباب دل‌تنگی

سفارت روس شده است، چون رشت سرحدات و نفوذ دولت روس در آن جا بیشتر از همه جاست.

جمعه ۲۶ شوال المکرم ۱۳۲۹

□□□

حاجی میر پنج برادر حکیم الملک که ملقب به نظم السلطنه شده بود،

پریروز رفته به حکومت خمسه.

جمعه ۲۶ شوال المکرم ۱۳۲۹

□□□

علی رضاخان گروسی را جهان‌شاه‌خان گرفته است و حکم شده است

که در زنجان به دارش بزنند.

شنبه ۲۷ شوال المکرم ۱۳۲۹

□□□

«میو پیرم» امروز عصری با تشریفات هر چه تمام‌تر وارد طهران شد.

یکشنبه ۲۸ شوال المکرم ۱۳۲۹

□□□

امروز در مدرسه سپهسالار میتینگی دادند برای همراهی با دولت

عثمانی بر ضد دولت ایتالیا.

جمعه ۴ ذی‌القعدة الحرام ۱۳۲۹

□□□

سردار محیی شکست سختی خورده به طوری که هیچ از خودش و اردویش آثاری نیست.

سه شنبه ۸ ذی القعدة الحرام ۱۳۲۹

□□□

علاءالدوله رفته بوده است در مجلس و هیأت وزراء که من از حکومت شیراز استعفا داده‌ام و الان هم می‌روم سفارت روس و متحصن می‌شوم.

شنبه ۱۲ ذی القعدة الحرام ۱۳۲۹

□□□

اهل شهر تبریز تلگراف زده‌اند که فرمانفرما را به حکومت قبول نداریم و نمی‌پذیریم.

شنبه ۱۲ ذی القعدة الحرام ۱۳۲۹

□□□

ناصرالملک چند روز است می‌خواهد از نیابت سلطنت استعفا کند و گاهی ریاست وزراء قهر می‌کند، بگومگو و کشمکش غریبی است.

شنبه ۱۹ ذی القعدة الحرام ۱۳۲۹

□□□

امسال کلاغ سیاه خیلی دیده می‌شود، علامت سختی زمستان است.

یکشنبه ۲۰ ذی القعدة الحرام ۱۳۲۹

□□□

ملکه زمان زن ظل السلطنه خوب رفتار نمی‌کند، حرکات زشت خیلی دارد، حالا هم قهر کرده رفته است.

دوشنبه ۲۱ ذی القعدة الحرام ۱۳۲۹

□□□

صمصام السلطنه دوباره به ریاست وزرائی برقرار شده است.

شنبه ۲۶ ذی القعدة الحرام ۱۳۲۹

□□□

در طهران گندم خرواری بیست و سه تومان است و جو خرواری

شانزده تومان، ذغال هم کم است و پیدا نمی‌شود.

شنبه ۲۶ ذی القعدة الحرام ۱۳۲۹

□□□

پیرم پسر احتشام السلطنه را جلو مردم با دست خودش زده، بعد حکم

کرده با شلاق او را زده بودند.

یکشنبه ۲۷ ذی القعدة الحرام ۱۳۲۹

□□□

صمصام السلطنه تمارض کرده و در اندرونش است و آن وزرائی را که

معین کرده بود مجلس نپذیرفته است.

سه شنبه ۲۹ ذی القعدة الحرام ۱۳۲۹

□□□

قشون زیادی از روس وارد رشت و مازندران و اغلب جاهای

آذربایجان شده است.

سه شنبه ۲۹ ذی القعدة الحرام ۱۳۲۹

□□□

صمصام السلطنه خودش را زده است به ناخوشی، هر چه می‌کند کابینه

وزراء را نمی‌تواند معین بکند و مجلس قبول نمی‌کند.

چهارشنبه سلخ ذی القعدة الحرام ۱۳۲۹

□□□

خود بختیاری‌ها هم ریاست وزراء را به سپهدار تکلیف می‌کنند ولی

زیربار نمی‌رود.

چهارشنبه سلخ ذی القعدة الحرام ۱۳۲۹

□□□

روس‌ها «پرتست» سختی کرده بودند که به خاطر آن بی‌احترامی که به

تزاز روس شده، وزیر خارجه بایست با لباس رسمی برود در سفارت روس و

معذرت بخواهد!

چهارشنبه سلخ ذی القعدة الحرام ۱۳۲۹

□□□

به هزار زحمت یک کابینه تشکیل شد، دسته دموکرات وزرای اعتدالی

را قبول نمی‌کند و اعتدالی‌ها دموکرات را، باز کابینه بر هم خورد.

سه شنبه ۶ ذی الحجة الحرام ۱۳۲۹

□□□

وزراء را صمصام السلطنه آورد و معرفی کرد، پریروز به خودش خیلی

فحش داده بود و استعفا کرده بود!

چهارشنبه ۷ ذی الحجة الحرام ۱۳۲۹

□□□

شهر بر هم خورده و انقلابی پیدا شده، دولت روس ۴۸ ساعت مهلت

داده شوستر و سایرین از ایران خارج بشوند.

جمعه ۹ ذی الحجة الحرام ۱۳۲۹

□□□

مردم در مسجدها جمع شده فریاد می‌زنند یا «مرگ یا استقلال»

جمعه ۹ ذی الحجة الحرام ۱۳۲۹

□□□

یکمربه خبر آوردند که علاءالدوله را کشتند!

جمعه ۹ ذی الحجة الحرام ۱۳۲۹



برای مشیرالسلطنه نزدیک چهار راه حسن آباد تفنگ و «مورز» زیادی انداخته بودند، چندین تیر به عبای مشیرالسلطنه خورده بوده ولی به خودش هیچ نخورده! قضای بی خیر و برکت!!

جمعه ۹ ذی الحجة الحرام ۱۳۲۹



دیشب حاجی محمد تقی بنکدار را سه تیر گلوله زده‌اند ولی هنوز نمرده است.

شنبه ۱۰ ذی الحجة الحرام ۱۳۲۹



بازارها تمام بسته، چائی نمی‌خورند، فکل هائی را که ساخت روس است از گردنشان در می‌آورند و آتش می‌زنند و بچه‌های مدرسه‌ها با علم که رویش نوشته یا مرگ یا استقلال در خیابان‌های می‌گردند.

شنبه ۱۰ ذی الحجة الحرام ۱۳۲۹



هنگامه غربیی است، در مجلس ناطق‌ها نطق می‌کنند، یکی دو تا از دخترها که در مدرسه تحصیل می‌کنند، نطق کرده‌بوده‌اند. او مردم را به هیجان می‌آوردند.

شنبه ۱۰ ذی الحجة الحرام ۱۳۲۹



یک دسته از وزراء و خود مردم اعلان کردند به ناصرالملک که چون

خیلی اغتشاش است و ثوق الدوله رئیس الوزراء و وزیر خارجه باشد و قوام السلطنه وزیر داخله!

شنبه ۱۰ ذی الحجة الحرام ۱۳۲۹



مردم خیلی متوحش و سرگردان هستند، اغلب از اعیان و اشراف در خانه‌هایشان قایم شده‌اند و هیچ بیرون نمی‌آیند و هر کس که صاحب اسم و رسمی است جرأت این که در خانه‌اش باشد ندارد و شب‌ها در جاهای مختلف هستند.

شنبه ۱۰ ذی الحجة الحرام ۱۳۲۹



دو سه گاری قزاق روس وارد طهران شده که چهل پنجاه نفر می‌شوند، رفتند سفارت روس.

شنبه ۱۰ ذی الحجة الحرام ۱۳۲۹



دیروز بیرم استعفا کرده بود و یا معزولش کرده‌اند! مجاهدین در کوچه و بازارها راه می‌روند و می‌گویند یا مرگ یا استقلال!

دوشنبه ۱۲ ذی الحجة الحرام ۱۳۲۹



از پریروز حکومت طهران را دادند به امیر مجاهد، شهر را هم نظامی کرده‌اند. از مجاهدین و پلیس و ژاندارم سلب اسلحه می‌خواهند بکنند.

دوشنبه ۱۲ ذی الحجة الحرام ۱۳۲۹



قرار گذارده‌اند که علماء فردا یک جا جمع بشوند و به علمای نجف تلگراف بکنند و از آنها کسب تکلیف بکنند.

دوشنبه ۱۲ ذی‌الحجه الحرام ۱۳۲۹

□□□

نظمیه شهر دوباره به پیرم واگذار شده.

سه شنبه ۱۳ ذی‌الحجه الحرام ۱۳۲۹

□□□

مردم دسته دسته می‌روند منزل سردار اسعد و می‌گویند پدر ملت در آمده! و بچه‌های مدرسه می‌روند نطق می‌کنند!

چهارشنبه ۱۴ ذی‌الحجه الحرام ۱۳۲۹

□□□

قشون روس به قدر چهار پنج هزار نفر به قزوین رسیده است از قراری که می‌گویند سلب اسلحه از قزوینی‌ها کرده‌اند.

چهارشنبه ۱۴ ذی‌الحجه الحرام ۱۳۲۹

□□□

صمصام السلطنه به ریاست وزراء برقرار است، قوام السلطنه هم وزیر داخله است.

پنجشنبه ۱۵ ذی‌الحجه الحرام ۱۳۲۹

□□□

واگونها حرکت می‌کنند ولی خالی، هیچکس سوار نمی‌شود! امتعه روسی را استعمال نمی‌کنند، هر کس گالش به پا بکند می‌گیرد و باز می‌کنند، بازارها و قهوه‌خانه‌ها تمام بسته است!

جمعه ۱۶ ذی‌الحجه الحرام ۱۳۲۹

□□□

پیروم به حکم خودش در کمال استقلال به ریاست نظمیہ برقرار است، آن روز معزولش کرده بودند، بعد خودش رفته بود در نظمیہ. هیچ کس جرأت این که بگوید چرا نداشته است! با مجاهدین ارمنی دور شهر گردش کرده و در واقع مبارز می طلبیده است! رئیس نظمیہ و مالک الرقاب ایران است بدبخت ایران بی صاحب!

جمعه ۱۶ ذی الحجۃ الحرام ۱۳۲۹



علاءالدوله را رفیع زاده و دوسه نفر از مجاهدین ارمنی به تحریک پیروم و مسیو شوستر کشته اند ولی کی قدرت دارد بگوید فلانی! تمام مردم هم می دانند.

جمعه ۱۶ ذی الحجۃ الحرام ۱۳۲۹



اجزای نظمیہ در باطن امر به تحریک پیروم نمی گذارند بازارها را باز نکنند، گاهی به تهدید و گاهی به عنوانات دیگر که ملت از دست رفته! عجالتاً مشغول بچاپ بچاپ و آدم کشی هستند، هر وقت هم قشون روس نزدیک بشود فرار می کنند و مسلمانها را به دست روسها می گذارند.

شنبه ۱۷ ذی الحجۃ الحرام ۱۳۲۹



علماء هر روز می روند به تلگرافخانه به ولایات و نجف اشرف تلگراف می کنند، هنوز هیچ جواب مساعدی از هیچ جا نیامده است.

دوشنبه ۱۹ ذی الحجۃ الحرام ۱۳۲۹



یک دسته زن به قدر صد نفر رفته بودند منزل سردار اسعد که ماها

شنیده‌ایم که بختیاری‌ها اتحاد کردند که اعلیحضرت محمد علی شاه را بیاورند، اگر همچو است ما تکلیف خودمان را بدانیم.

دوشنبه ۱۹ ذی‌الحجّة الحرام ۱۳۲۹



سردار اسعد گفته است یاسی «کرور» پول بدهید تا قشون روس برود یا بروید اعلیحضرت محمد علی شاه را بیاورید.

سه شنبه ۲۰ ذی‌الحجّة الحرام ۱۳۲۹



شهرت دارد که: دولت ایران به دولت روس التیماتوم داده است که اگر تا سه ساعت دیگر قشون روس نرود ما جنگ خواهیم کرد! یعنی به آن عده که در قزوین است نباید اضافه بشود.

سه شنبه ۲۰ ذی‌الحجّة الحرام ۱۳۲۹



آخوند ملاکاظم خراسانی مرحوم شده است، از نجف بیرون آمده که بیاید رو به ایران در بین راه مرحوم شده است، بعضی می‌گویند او را کشته‌اند.

سه شنبه ۲۰ ذی‌الحجّة الحرام ۱۳۲۹



کابینه وزراء معلوم شده است، ریاست وزراء صمصام السلطنه، قوام السلطنه وزیر داخله، وثوق‌الدوله وزیر خارجه...

پنجشنبه ۲۲ ذی‌الحجّة الحرام ۱۳۲۹



گویا «پرتست» دیگری روس‌ها داده‌اند به وزارت خارجه که جواب‌های ما را چرا نمی‌دهید، اگر نمی‌دهید قشون ما وارد خواهند شد.

پنجشنبه ۲۲ ذی‌الحجّة الحرام ۱۳۲۹



برای آخوند ملاکاظم در مسجد شاه و اغلب مسجدها ختم گذارده‌اند
ختم مسجد شاه را سلطان احمد شاه خودشان رفتند جمع کردند.

شنبه ۲۴ ذی‌الحجه الحرام ۱۳۲۹



از قراری که می‌گویند: وقتی به آخوند ملا محمد کاظم تلگراف می‌کنند تفصیل
تثون روس را اوجواب داده بوده است که امروز دیگر جنگ قران و صلیب است»

یکشنبه ۲۵ ذی‌الحجه الحرام ۱۳۲۹



بختیاری‌ها همه دارند خانه می‌خرند، خانه‌های سی هزار تومانی، چهل
هزار تومانی!

پنجشنبه ۲۹ ذی‌الحجه الحرام ۱۳۲۹



وزراء امشب در منزل ناصرالملک هستند و مجلسی دارند، هشت نفر
وزیر با دو نفر وکیل معین شده‌اند که روزها بنشینند و برای کار روس‌ها یک
قراری بدهند.

پنجشنبه ۲۹ ذی‌الحجه الحرام ۱۳۲۹



گفتند تبریزی‌ها با روس‌ها جنگ کرده‌اند، یعنی روس‌ها می‌خواسته‌اند
نظمیه را تصرف بکنند، ما بین آنها از دیروز جنگ اتفاق افتاده، خداوند
انشاءاله خودش اصلاح بکند.

جمعه سلخ ذی‌الحجه الحرام ۱۳۲۹

